

کلمات مترادف

جان فشانی: ... **فداکاری** جان

جوامع: جامعه‌ها

بشری: انسانی

ارج نهادن: ... **ارزش** ... **بزرگداشت**

برآمد: بالا آمد

چله: زه کمان، قسمت کششی کمان

پاسداری: ... **پل‌داری** ... **مراقبت**

بی‌شمار: ... **غیر قابل شمارش** - نامحور

مقدس: پاک

تحمیلی: اجباری

اوراق فروشی: ... **کتابخانه** ... **پاره** ... **در کتابخانه** یا ... **وسایل در دسترس** ... **سور**

اوراق: ... **جمع ورق** ... **پاره‌ها**

گورستان: قبرستان

فرسوده: کهنه

بعثی: ... **سپه‌روها** ... **ایستاد** ... **عراق** ... **در زمان اسلام**

اشغال: تصرف کردن

کوتاهی کردن: ... **در پیچ** ... **داشته‌اش**

همت: ... **تلاش** ... **امور**

درنگ: صبر

تن به تن: ... **بفکر** ... **بفکر**

الکن: ... **بسی** ... **بیش** ... **به هنگام صحبت** ... **سیر** ... **نزد**

خیمپاره: سلاحی جنگی

مدافع: ... **دفاع** ... **بستنه**

تردید: ... **شک** ... **دور**

اسارت: ... **گرفتاری** ... **بشدن**

زینت: زیبایی

ساعی: کوشا، سعی کننده

متدین: ... **درین** ... **دار**

محبوب: دوست داشتنی

تبعید: دور کردن

غافل: بی خبر... ناگاه

دِرخیم: بد نهاد، بدجنس

مُقابله: روبرو... روبرو شدن

مُدعی: ادعا کننده

شرمگین: خجالت زده

سقوط: در درس به معنی «متصرف شدن» و «به دست دشمن افتادن»

کلمات متضاد

اسارت $\neq$ رهایی (آزادی)

تحمیلی $\neq$ اختیاری

سقوط $\neq$ صعود

کلمات هم خانواده

هدف، اهداف، هدفمند

محدود، حد، حدود، محدوده

مقدس، قدس، قداست، اقدس

مانع، منع، موانع

وسعت، وسیع، توسعه

عقب، تعقیب، عقاب، عقوبت، عاقبت

آثار، اثر، مؤثر، تأثیر

تأسیس، اساس، مؤسس، مؤسسه

محاصره، حصیر، حصار، محصور (زندانی)

اسارت، اسیر، اسرا

دلا: ای دل (منادا)

تلفات: جمع تلف، کشته‌ها، نابود شده‌ها

ناکام بگذارند: بی نتیجه بگذارند (در درس)

چشم انتظار: کنایه از منتظر بودن

محاصره: دور تا دور چیزی را گرفتن

خروشان $\neq$ آرام

ناگوار $\neq$ گوارا

شغل، اشغال، مشغله، مشغول

مزار، زائر، زیارت

مدافع، دفع، دفاع، تدافعی

مقابله، تقابل، قبل

تحمیلی، حمل، حامل، محموله، تحمل

استقامت، مقاوم، مقاومت

ساعی، سعی

تبعید، بعید، بعد، ابعاد، بعداً

نفوذ، منفذ، نافذ

تلفات، اتلاف، تلف

یکی دیگر از راه‌های درست نویسی و تقویت املا جست‌وجوی بعضی از کلمات با نشانه‌های خاص بعد از خواندن متن است. برای این کار می‌توان تمرینات زیر را انجام داد.

الف: پنج کلمه‌ای که نقطه ندارند را از درس دریا قلی پیدا کن و بنویس.

ماه‌های

محاصره

دل‌آور

مردم

کوی



ب: پنج کلمه‌ای که سه نقطه دارند را از درس دریا قلی پیدا کن و بنویس.



نا برابر

مقابله

آینده

نفوذ

متوجه

پ: کلماتی که در درس دریا قلی از حروف (ح، ق، غ، ص، ظ) استفاده شده را پیدا کن و بنویس.

تلفظ

سقوط

مقابله

محاصره

شغل

محروم

حاشیه



ت: از درس دریا قلی بگرد و پنج کلمه‌ای را که احتمالاً برای اولین بار به گوش تو رسیده پیدا کن و آن‌ها را بنویس: مانند: الکن



حاشیه

اوراق فرشی

کوی ذوالفقاری

الکن

بعثی

تحمیلی

ث: جاهای خالی را با حروف صحیح، پر کن.

(۱) همراه مدافعان به ا...سارت نیروهای دشمن درآمد.

(۲) تاریخ در تلفظ نام تو ...ا...لکن است.

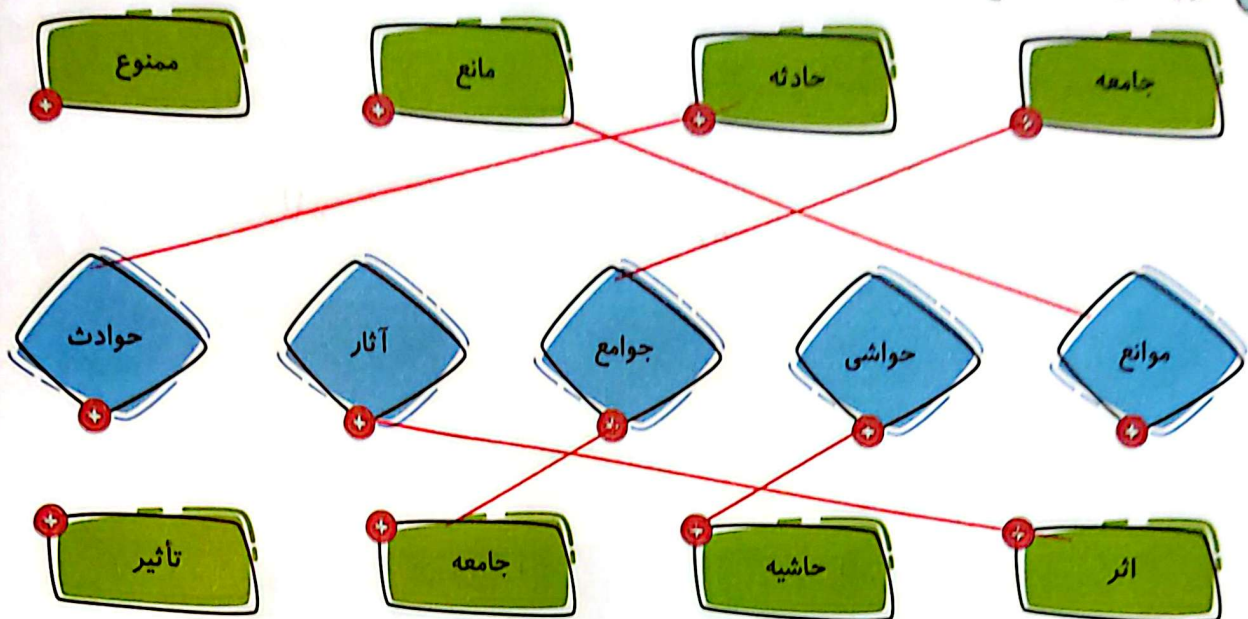
(۳) توانست نفوذ دشمن را ناکام بگذارد.

(۴) دشمن بعد از ...تی، به صورتی ...خافل گیر کننده می‌خواست شهر محاصره شده را به اشغال در بیاورد.



تمرین

۱ هر يك از كلمات جمع مكسر را به مفرد آن وصل كن. (سه مورد اضافی است.)



۲ درستی ☒ و نادرستی ☒ جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

- الف: معنای «سقوط» در دو جمله‌ی زیر، یکسان است. ☒ افتادن روز زمین است.
- ب: مانع سقوط شهر آبادان شد. ☒ افتادن به درخت زمین. ☒ سقوط هواپیما بسیار سهمگین بود.
- پ: جمله‌ی «دریاقلی، همچون دریایی خروشان بود»، به ترس او از دشمن اشاره دارد. ☒ به شجاعت و دلانگیزی او اشاره دارد.
- ت: ضرب‌المثل «هر که بامش بیش، برفش بیشتر» به دردسرهای امکانات زیاد، اشاره می‌کند. ☒

۳ هم‌معنی واژه‌های زیر را از متن درس، پیدا کن.

نیروهای عراقی	←	نیروهای بهشتی
پاره‌ها	←	اوراق
کهنه	←	کهن
پاک	←	مقدس
کناره	←	حاشیه

۴ جاهای خالی را با علائم نگارشی مناسب، پر کن.

- الف: شغل دریاقلی () اوراق فروشی بود ()
- ب: انگار کسی در گوشش می‌گفت () دریاقلی رکاب بزن () همه چیز به جوانمردی تو وابسته است ()
- پ: یکی از آن‌ها به فارسی پرسید () دارید کجا می‌روید ()

۵ هم خانواده‌ی واژه‌های «غفلت، توسعه، دفع، حصار، مشغول، را در عبارات زیر، پیدا کن.

الف: مردم و مدافعان شهر را از نفوذ دشمن با خبر کند. **مرا فعال**

ب: دریاقلی! به وسعت دریاست نام تو **وسعت**

پ: سربازان دشمن بعضی به صورتی غافلگیر کننده از رودخانه‌ی بهمن شیر گذشته‌اند. **خافلیه کشته**

ت: می‌خواهند شهر محاصره شده‌ی آبادان را به اشغال کامل خود در بیاورند. **محاصره - اشغال**

۶ مصراع دوم بیت زیر، کنایه از چیست؟

«از راه اگر بنایی و روشن شود هوا
تکلیف شهر خاطره‌های تو، روشن است»

تکلیف روشن شدن کنایه از مسخ شدن چیزی که نتیجه اش خوب نخواهد بود

۷ با توجه به آرایه‌های داخل کادر، مشخص کن در هر گزینه، چه آرایه‌ای به کار رفته است؟ (یک مورد اضافی است).

تشبیه - مبالغه - کنایه - مراعات نظیر

الف: محیط خانه، او را با درس محبت به خاندان پیامبر آشنا کرد. (...**تشبیه**...) **محبت به درس تشبیه شده است**

ب: اگر اندکی کوتاهی می‌کرد، نمی‌توانست خود را به شهر برساند. (...**کنایه**...) **کنایه از کم کاری و درست انجام ندادن کاری است**

پ: دریاقلی همچون دریایی خروشان بود. (...**تشبیه**...) **دریاقلی به دریای خروشان تشبیه شده است**

۸ در کدام شیوه‌ی نویسندگی باید به اندازه، رنگ، بو، لطافت و زبری و سایر خصوصیات هر چیز توجه کرد؟

توصیف

۹ با توجه به سؤالات داده شده پاسخ درست را انتخاب کن.

الف: علامت دو نقطه (:) چه زمانی استفاده نمی‌شود؟

(۱) پیش از نقل قول مستقیم (۲) هنگام توضیح دادن

(۳) برای جدا کردن کلمه یا عبارت توضیحی (۴) بیان اجزای یک چیز

ب: در کدام گزینه از قلاب استفاده می‌شود؟

(۱) پدر؛ با چشمانی پر از اشک و حسرت پسر را در آغوش گرفت. (۲) چرا پسر را به همراهت نیاوردی؟

(۳) به به، چقدر هوا اینجا عالی است! (۴) پدرم امشب از مسافرت برمی‌گردد.

پ: کدام جمله درست است؟

(۱) در پایان تمام جملات می‌توان از نقطه استفاده کرد. (۲) اگر جمله‌ای منفی باشد در آخر آن نباید نقطه گذاشت.

(۳) جمله‌هایی که پایان آن‌ها نقطه است حتماً خبری است. (۴) در پایان جملات امری، نقطه می‌گذاریم.



خوانش و پردازش



حکایت زیر را خوانده و به سوالات مربوط به آن پاسخ بده.

۱۰



شاگرد بی‌علاقه به پژوهش در راه علم، عاشق فقیر است. عالم بی‌عمل، درخت بی‌ثمر است و پارسای بی‌علم، خانه‌ی بی‌در است.

پارسی و تخلص از گلستان سعدی: باب هشتم

و کس می‌تواند بی‌اجاره و در سود و دری او اثر بگذارد.

الف: چرا پارسای بی‌علم، به خانه‌ی بی‌در، مانند شده است؟

زیرا بی‌هوشی و بی‌علمی و نداشتن از خودشناسی و عدم آفرینش ندارد (مانند خانه‌ای است که بدون در است و هر چیزی

ب: عاشق فقیر به چه کسی نسبت داده شده است؟

شاگرد بی‌علاقه به پژوهش در راه علم

پ: ویژگی مشترک بین عالم بی‌عمل و درخت بی‌ثمر چیست؟

بی‌فایده بودن و بی‌نتیجه بودن

ت: حکایت، خواننده را از چه چیزی منع می‌کند؟

بی‌بار بودن و نادانی، کاهلی و تنبلی، در راه علم و دانش، عمل نکردن به علم و آموختن